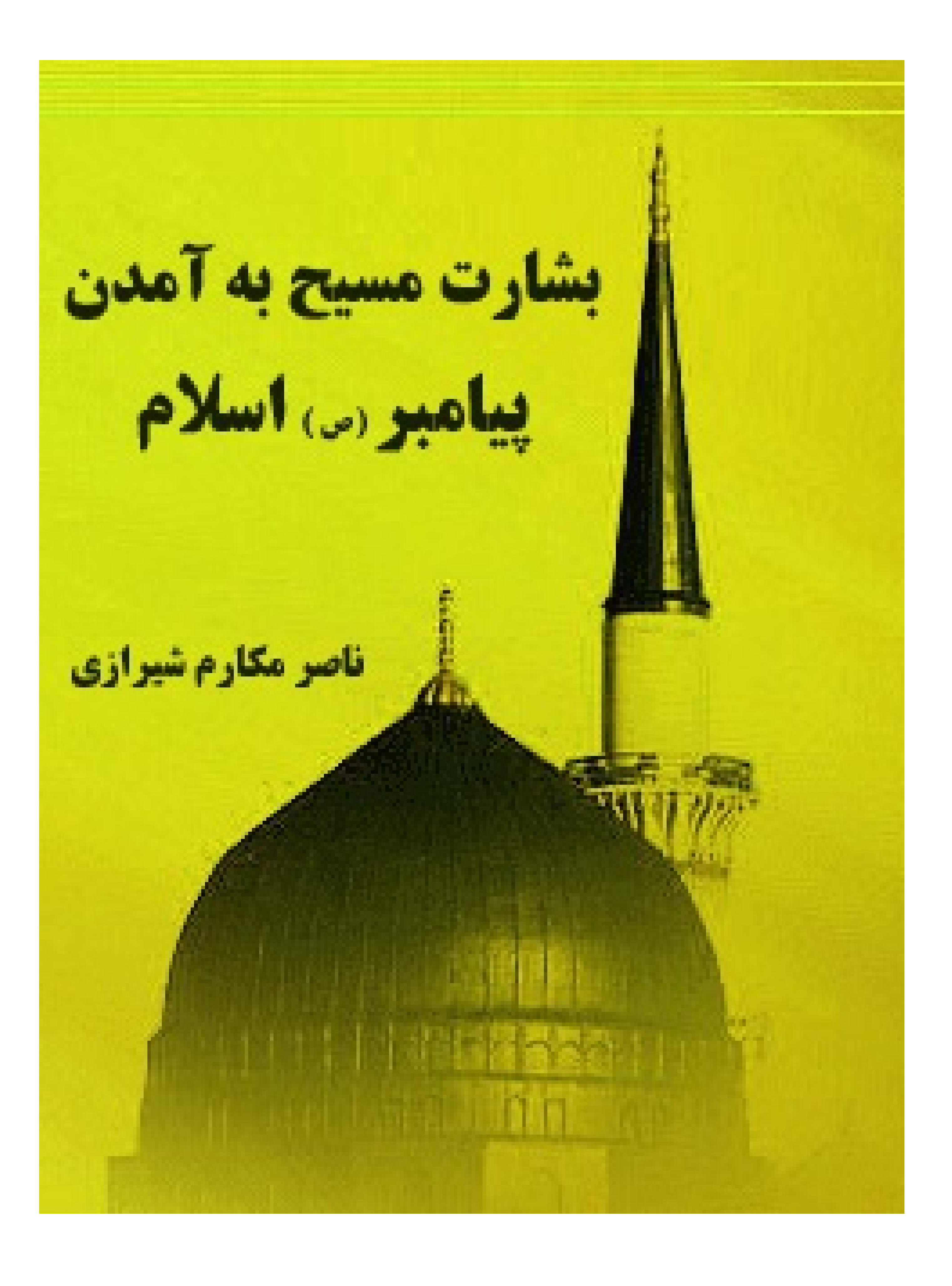

بشارت مسیح به آمدن
پیامبر (ص) اسلام
ناصر مکارم شیرازی


بسم الله الرحمن الرحیم

بشارت مسیح به آمدن پیامبر اسلام

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی (دام ظله)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بشارت مسیح به آمدن پیامبر اسلام

مشخصات کتاب

نویسنده : ناصر مکارم شیرازی

ناشر : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

بشارت مسیح به آمدن پیامبر اسلام

در قرآن مجید می خوانیم که حضرت مسیح به آمدن پیامبر پس از خود به نام «احمد» که پیامبر اسلام است گزارش داده است ;آیا این جمله در اناجیل کنونی وجود دارد؟پاسخآیه ای که در قرآن در این باره وارد شده است به قرار زیر می باشد:«... وَ مُبَشِّراً بِرَسُول یَأتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ اَحْمَدُ فَلَمّا جاَهُمْ بِالْبَیِّناتِ قالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبین.. ;و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است! هنگامی که او[احمد]با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری آشکار است...» [۱] .محقّقان اسلامی می گویند بشارتی که این آیه از حضرت مسیح نقل می کند، در انجیل یوحنا در باب های ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ وارد شده است و حضرت مسیح به نقل انجیل «یوحنّا» از آمدن شخصی پس از خود به نام «فارقلیط» خبر داده است و قراین زیادی گواهی می دهد که مقصود از آن پیامبر اسلام می باشد و ما برای روشن شدن مطلب ناچاریم متون آیات را با تعیین باب و شماره از انجیل یاد شده نقل نماییم، اینک متون عبارات انجیل:«اگر شما مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست تا «فار قلیط» دیگری به شما بدهد، تا ابد با شما خواهد ماند. او روح حق و راستی است که جهان نمی تواند او را قبول کند: زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد، امّا شما را می شناسد، زیرا که نزد شما می ماند و در شما خواهد بود». [۲] .«من این سخن ها را به شما گفته ام وقتی که با شما بودم، لکن آن «فارقلیط» که پدر او را به اسم من خواهد فرستاد، شما را هر چیز خواهد آموخت و هر چیز من به شما گفته ام به یاد شما خواهد آورد». [۳] .«حالا قبل از وقوع به شما خبر دادم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید. [۴] .«چون آن فارقلیط که من از جانب پدر به شما خواهم فرستاد، روح راستی که از اطرف پدر می آید او درباره من شهادت خواهد داد». [۵] .«راست می گویم که شما را مفید است که من بروم اگر من نروم آن فارقلیط نزد شما نخواهد آمد امّا اگر بروم او را نزد شما خواهم فرستاد و او چون بیاید جهانیان را به گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت: به گناه، زیرا که بر من ایمان نمی آورند، به صدق زیرا که نزد پدر خود می روم، و شما مرا دیگر نمی بینید، به انصاف زیرا که بر رییس این جهان حکم جاری شده است و دیگر چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم لیکن حالا نمی توانید متحمّل شد، امّا چون او بیاید او شما را به تمامی راستی ارشاد خواهد داد زیرا که او از پیش خود سخن نخواهد گفت، بلکه هر آنچه می شنوند خواهد گفت. و شما را از آینده خبر خواهد داد و مرا تمجید خواهد نمود، زیرا که او آنچه از آن من است خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد. هرچه از آنِ پدر است از من است از این جهت گفتم که آنچه از آن من است می گیرد و به شما خبر می دهد». [۶] .در این جا قراین روشنی داریم که گواهی می دهد مراد از فارقلیط پیامبری است که پس از مسیح می آید نه روح القدس:- نخست باید توجّه کرد که از برخی از تواریخ مسیحی استفاده می شود که پیش از اسلام در میان علما و مفسّرین انجیل مسلّم بود که «فاقلیط» همان پیامبر موعود است ;حتّی گروهی از این مطلب سوء استفاده کرده و خود را «فارقلیط» موعود معرّفی نموده اند.مثلاً: «منتسر» که مرد ریاضت کشی بود و در قرن دوّم میلادی می زیست، در سال ۱۸۷ در آسیای صغیر مدّعی رسالت گردیده و گفت: من همان فارقلیط هستم که عیسی از آمدن او خبر داده است و گروهی از وی پیروی کردند. [۷] .- از آثار و تواریخ مسلّم اسلامی کاملا استفاده می شود که سران سیاسی و روحانی جهان مسیحیّت در روزهای بعثت پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)همگی در انتظار پیامبر موعود انجیل بودند، از این جهت هنگامی که سفیر پیامبر نامه او را به

زمامدار حبشه داد، پس از خواندن نامه رو به سفیر کرد و گفت: من گواهی می دهم که او همان پیامبری است که اهل کتاب در انتظارش هستند و همان طور که حضرت موسی از نبوّت حضرت مسیح خبر داده، او نیز به نبوّت پیامبر آخر الزّمان بشارت داده و علائم و نشانه های او را معیّن کرده است. [۸] .وقتی نامه پیامبر به دست قیصر رسید و نامه را مطالعه کرد و درباره پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله)تحقیقاتی به عمل آورد، در پاسخ نامه آن حضرت چنین نوشت: نامه شما را خواندم و از دعوت شما آگاه شدم، من می دانستم که پیامبری خواهد آمد، ولی گمان می کردم که این پیامبر از شام بر خواهد خاست.... [۹] .از این نصوص تاریخی استفاده می شود که آنان در انتظار پیامبری بودند و چنین انتظاری بطور مسلّم ریشه انجیلی داشته است.- امتیازاتی که حضرت مسیح برای «فارقلیط» قائل شده و شرایط و نتایجی که برای آمدن او شمرده است، این مطلب را قطعی می سازد که منظور از «فارقلیط» جز پیامبر موعود نخواهد بود و این علایم مانع از آن است که آن را به «روح القدس» تفسیر نماییم ;توضیح این که:الف- حضرت مسیح سخن خود را چنین آغاز کرد: «اگر شما مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید و من از پدرم خواهم خواست تا «فارقلیط» دیگری به شما بدهد.»اوّلا: از این که حضرت مسیح مهر و محبّت خود را به آنها یادآوری می کند، حاکی است که او احتمال می دهد گروهی از امّت او زیر بار کسی که وی به آمدنش بشارت می دهد، نخواهند رفت و لذا از طریق تحریک عواطف می خواهد آنان را به پذیرفتن او وادار سازد و اگر منظور از فارقلیط همان «روح القدس» باشد، آن طور که مفسّران انجیل تصوّر کرده اند، در این صورت به چنین زمینه سازی احتیاج نبود.زیرا روح القدس پس از نزول آن چنان در قلوب و ارواح تأثیر می کند که برای کسی جای تردید و شک و انکار باقی نمی ماند، ولی اگر مقصود پیامبر موعود باشد، به چنین زمینه سازی نیاز شدید هست ;زیرا نبیّ موعود جز از طریق بیان و تبلیغ در قلوب و ارواح تأثیری و تصرّفی نمی کند و روی این ملاحظه گروهی منصف به وی می گروند و گروهی از وی رو بر می گردانند.حضرت مسیح به این مقدار تذکّر اکتفا نکرده، در آیه ۲۹ از باب ۱۴ در این قسمت پافشاری کرده و فرمود: «الان قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید» در صورتی که ایمان به روح القدس، نیازی به توصیه ندارد تا چه رسد به این اندازه پافشاری!ثانیاً: وی فرموده «فارقلیط» دیگری به شما خواهد داد اگر بگوییم مقصود از آن پیامبر دیگری است سخنی کاملا صحیح خواهد بود ولی اگر مقصود از آن روح القدس باشد، به کار بردن لفظ «دیگر» خالی از تکلّف نخواهد بوند زیرا روح القدس یکی است و دیگر معنا ندارد.ب- «هر چیز من به شما گفته ام به یاد شما خواهد آورد» (۱۴:۲۶) «روح راستی که از طرف پدر می آید، درباره من شهادت خواهد داد». (باب - ۱۵، جمله ۲۶)می گویند روح القدس پنجاه روز پس از مصلوب گشتن عیسی بر حواریان نازل گردیده، آیا این افراد برگزیده همه دستورات او را در این مدّت کوتاه فراموش کرده بودند تا روح القدس دو مرتبه به آنان تعلیم دهد؟آیا شاگردان مسیح چه نیازی به شهادت او داشتند تا درباره مسیح شهادت دهد! ولی اگر مقصود پیامبر موعود باشد هر دو جمله معنای صحیح خواهد داشت، زیرا امّت مسیح بر اثر طول زمان و دستبرد علمای انجیل، بسیاری از دستورات او را فراموش کرده و گروهی هم آنها را به دست فراموشی سپرده بودند و حضرت محمّد(صلی الله علیه وآله)همه را بازگو کرد و به نبوّت حضرت عیسی(علیه السلام)شهادت داد و گفت: او نیز مانند من پیامبر بوده و مادر مسیح را از نسبت های ناروا تبرئه نمود و ساحت مقدّس مسیح را از ادّعای الوهیّت پیراسته ساخت.ج- «اگر من نروم فارقلیط نزد شما نمی آید.» (۱۵:۷) او آمدن «فارقلیط» را مشروط به رفتن خود کرده است و اگر مقصود «روح القدس» باشد نزولش بر خود او و بر حواریین مشروط به رفتن او نبوده است ;زیرا به عقیده مسیحیان روح القدس بر حواریّون که حضرت مسیح خواست آنان را برای تبلیغ به اطراف بفرستد، نازل گردید. [۱۰] . بنابر این،هیچ گونه نزول او مشروط به رفتن مسیح نبوده است ;ولی اگر بگوییم مقصود پیامبری است صاحب شریعت - آن هم شریعت جهانی - در این صورت آمدن او مشروط به رفتن حضرت مسیح و منسوخ گشتن آیین او خواهد بود.د- اثر نزول «فارقلیط» سه چیز معرّفی شده است: «جهان را به گناه و صدق و انصاف ملزم [۱۱] خواهد ساخت ;به گناه زیرا به من ایمان نمی آورند.» (۱۶:۸)می دانیم طبق عقیده مسیحیان «روح القدس» پنجاه روز پس از مصلوب شدن عیسی بر

حواریّون نازل گردید و هرگز آنها را ملزم به گناه و صدق و انصاف ننمود، و از ذیل آیه استفاده می شود که او بر منکران ظاهر می گردد نه بر حواریّون که هرگز حضرت مسیح را تکـذیب نمی کردند. ولی اگر بگوییم مقصود پیامبر موعود اسلام است، تمام این امتیـازات در وجود شـریف او جمع می باشـد.هـ- «فارقلیط درباره من «مسیح» شـهادت خواهـد داد.» (۱۵:۲۶)«شـما را از آینده خبر خواهـد داد و مرا تمجیـد خواهد نمود.» (۱۶: ۱۳)شـهادت بر حضـرت مسیح حاکی است که وی روح القـدس نیست زیرا حواریّون نیـازی به تصـدیق او نداشـتند و همچنین منظور از این که به او جلال خواهـد بخشـید سـتایش و تعریف هایی است که پیامبر موعود دربـاره حضـرت مسیح انجام داد و آیین او را تکمیل کرد ؛چه جلالی بالاتر از این!دقّت در این قراین می توانـد ما را به حقیقتی که محقّقـان اسـلام به آن رسیـده انـد رهنمـون گردد، البتّه قراین منحصـر به آنچه گفته شـد نیست ؛بلکه بـا دقّت بیشـتر می تـوان قراین دیگری به دست آورد.در پایان، مطلب قابل توجّهی را که دایرهٔ المعارف بزرگ فرانسه، جلـد ۲۳، صفحه ۴۱۷۴ در این باره دارد از نظر خوانندگان می گذرانیم:«محمّد مؤسّـس دین اسلام و فرستاده خدا و خاتم پیامبران است ؛کلمه محمّد به معنای بسیار حمد شده است و از ریشه مصـدر حمـد که به معنـای تمجیـد و تجلیل است مشـتق گردیـده. بر حسب تصادف عجیب، نام دیگری که از همان ریشه حمـد است مترادف کامل لفظ محمّـد می باشد و آن احمد است که احتمال قوی می رود عیسویان عربسـتان، آن لفظ را برای تعیین فارقلیط به کار می برند ؛احمد یعنی بسیار ستوده شده و بسیار مجلّل، ترجمه لفظ پریکلیتوس است که اشتباهاً لفظ پاراکلیتوس را جای آن گذاردنـد. به این ترتیب، نویسـندگان مـذهبی مسلمان مکّرر گوشـزد کرده اند که مراد از این لفظ، بشارت ظهور پیامبر اسلام است. قرآن مجید نیز به طور علنی در آیه شگفت انگیز سوره صفّ به این موضوع اشاره می کند». [۱۲] .در تنظیم این قسمت از کتاب نفیس «انیس الاعلام» تألیف فخر الاسلام استفاده شده است.

پاورقی

[۱] سوره صف، آیه ۶.

[۲] انجیل یوحنّا، باب ۱۴، ۱۵ ۱۷ که در سال ۱۸۳۷ میلادی در لندن چاپ شده و بقیّه جمله ها را نیز از همین چاپ نقل نموده ایم و برای اطمینان بیشتر با ترجمه های فارسی دیگر که از زبان سریانی و کلدانی به فارسی نقل شده اند تطبیق کرده ایم.

[۳] باب ۱۴، ص ۲۵ – ۲۶.

[۴] باب ۱۴: ۲۹.

[۵] باب ۱۵: ۲۶.

[۶] باب ۱۶ ص ۷ – ۱۵.

[۷] انیس الاعلام، ج ۲، ص ۱۷۹، نقل از تاریخ «لیم میور» که در سال ۱۸۴۸ چاپ شده است.

[۸] طبقات کبری، ج ۱، ص ۲۵۹ و سیره حلبی، ج ۳، ص ۲۷۹.

[۹] تاریخ کامل، ج ۲، ص ۴۴.]

[۱۰] متی، باب ۲۹:۱۰، ولوقا، باب ۱۰:۱۷.

[۱۱] در بسـیاری از اناجیـل قـدیمی، بـه جـای «ملزم» توبیـخ آمـده اسـت و جمله دوّمی روشـنتر و مناسـبتر است، برخی از مفسّـِران و نویسـندگان مسـیحی وقتی به این جمله می رسند و می بینند که هرگز این جمله با روح القدس تطبیق نمی کند، با نهایت تعجّب می گویند منظور از رییس جهانیان، همان شـیطان است که مردم را به گناه ملزم می سازد و گواه این مطلب این است که حضرت مسیح در آیه ۳۰ فرمود: رییس جهان می آید و در من حصّه ای ندارد یعنی بر مسیح غلبه نمی کند. این تفسیر جز یک فکر شیطانی چیزی نیست ؛زیرا به فرض این که یک چنین رییس جهانیان مردم را به گناه ملزم می سازد، چگونه به صدق و انصاف الزام می نماید؟

[۱۲] محمّد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۵۰۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

